عنوان مقاله: نگاهی به تحولات پایان قرن بیستم (قسمت اول)

نویسنده:پرویز پیران

منبع: اطلاعات سیاسی و اقتصادی ۱۳۷۵ شماره ۱۰۵ و ۱۰۶
صص ۷-۴

الف – طرح مساله

- بشر در شرایطی به قرن بیست و یکم پای می نهد که سرگرم تجربه کردن دگرگونی های پر شتاب و همه جانبه ای است به نحوی که سال های پایانی قرن بیستم به یکی از متغیر ترین دوران های حیات انسانی بدل شده است. تغییراتی که در سالنامه زندگی انسانی کم نظیر است. تفاوت تحولات در پایان قرن بیستم با تغییرات گذشته را باید در دامنه فارگیری و نیز در شدت آنها جست و جو کرد.

سالنامه زندگی انسانی

- گرچه تغییرات دوران ساز و عظیم در زندگی انسانی کم نظیر است. لیکن هیچ یک نتوانسته با سرعتی خیره کننده به زندگی روزمره بسیاری از مردم در گوشه و کنارجهان وارد شود. تحولات دوران ساز گذشته در اکثر جوامع بشری به تنی و به صورت مثله شده و گزینشی رسوخ می کرد لیکن تحولات پایان قرن بیستم دست کم از بعد فنی در مدتی کمتر از یک دهه سراسر عالم را در نوردیده است.

- به همین دلیل مردم کوچه و بازار در بسیاری از نقاط جهان تغییرات مورد بحث را مورد توجه قرار داده و با شگفتی از دستاوردهای فنی دنیای معاصر داد سخن می گویند و موضوع تحولات به قول معروف نقل مجالس گشته است. مردم عظمت تحولات یاد شده را بیشتر در جنبه های فنی آن و به طور مشخص در ورود کامپویتر به خصوصی ترین و روزمره ترین عرصه های زندگی انسان ها و برخی از محصولات انقلاب در ارتباطات از راه دور خلاصه می کنند و کمتر کسی از خود می پرسد که این همه دگرگونی از چه روست؟

- چه ضرورت هایی این تغییرات را در سال های پایانی قرن بیستم ایجاب کرده است وضرورت های یاد شده خود از چه عواملی نشات گرفته است؟ در کنار پرسش های مهمی از این دست، نباید از برداشت های ناتمام یا اساسا نادرست در باب تحولات پایانی قرن بیستم غفلت کرد. بسیاری حتی در محافل مدرسه ای (اکادمیک) با شادی کودکانه ای از پایان توسعه نیافتگی سخن به میان می اورند و امیدوارند در پرتو امکانات فنی معاصر، تمامی جهان چون الگوی غربی توسعه یافته شود.

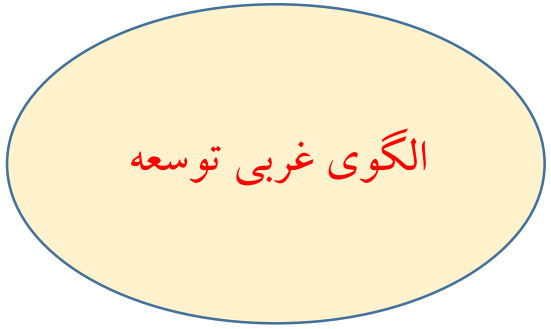

- برخی نیز بر این باورند که جهان قرن بیست و یکم با توانمندی های خود به خصوص در زمینه ارتباطات از راه دو رسبب خواهد شد تا روستاییان در نقاط دور افتاده نیز که اکنون جزیی از دهکده جهانی اند محصولات سنتی خود را به همه بشناسانند و دیری نخواهد پایید که سیل تقاضا به سوی انان سرازیر خواهد و همه از دستاوردهای وحدت بازارها سود خواهند برد.

محصولات
سنتی

- گروه دیگری از پایان سلطه و آغاز عصر مشارکت یاد می کنند. کوتاه سخن، هر کس از ظن خود دنیای اینده را ترسیم می کند. به راستی تغییرات پایان قرن بیستم دنیایی پر تناقض و پیچیده فراروی ادمیان گشوده است به گونه ای که محقق عجول را در برابر دریایی از اطلاعات ضد و نقیض قرار می دهد چنان که راه به جایی نمی برد.

پایان سلطه و آغاز عصر مشارکت

- با عنایت به مباحث بالا، مقاله حاضر کوششی است در جهت پرداختن به پرسش های مهمی که برخی از آنها مطرح گردید. بدین امید که موضوع پیگیری شود و راه های برخورد درست با تحولات پیش گفته در عرصه های مختلف زندگی ان هم در چارچوب شرایط این مرز و بوم گرانقدر آشکار گردد تا در فرجام معلوم شود که جامعه ایران در گرماگرم تغییرات پرشتاب جهنی ناچار از گزینش چه سیاست هایی است؟

دگرگونی های مورد بحث از اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی اغاز شد تا اواسط دهه ۱۹۸۰ تقریبا در تمامی زمینه ها نشان خود را بر جای گذاشت در دهه ۱۹۸۰ برای رجوع به این دگرگونی ها مفاهیمی چون جامعه فراصنعتی، جامعه فرا امروزین (پست مدرن) به کار می فت. اما در دهه ۱۹۹۰ میلادی مفهوم جهانی شدن (globalization) رایج گردید. و به مفهوم مسلط در دوران معاصر تبدیل شد به گونه ای که امروز همه چیز با رجوع به این مفهوم مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. در ظاهر این جهانی شدن یعنی ره سپردن تمامی جوامع به سوی جهانی به راستی وحدت یافته که در ان همه چیز در سطح جهانی مطرح و نگریسته می شود.

جامعه فراصنعتی

- اما در واقعیت جهای شدن به معنای آزادی مطلق کسب و کار برداشته شدن نمام موانع جریان یافتن سهل و ساده سرمایه و نفوذ آن در تمایم عرصه ها و حرکت روان اطلاعات، امور مالیه، خدمات و بالاخره تداخل فرهنگ ها آن هم به سوی یکسان شدگی و یکدستی است و البته تمامی این امور در مقیاسی جهانی رخ می دهد. هدف نیز دستیابی به بازا واحد جهانی فارغ از موانع در امر تولید، سرمایه گذاری، مالیه، خدمات و اشتغال خواهد بود.

- برخی پا را فراتر گذاشته و از حکومت واحد جهانی و پول واحد در سراسر گیتی یاد می کنند.
- زیر بنای تحولات در پایان قرن بیستم را سه فرایند تاریخی به هم مرتبط پدید آورده است.
- ۱- انقلاب فنی (تکنولوژیک) بی پایه تکنولوژی های اطلاعاتی (از جمله مهندسی ژنتیک) این انقلاب اگر از انقلاب هیا علمی- فنی گذشته مهم تر نباشد، دست کم به اندازه دو انقلاب فنی عظیم که متکی به کشف منابع جدید انرژی بوده با اهمیت تلقی می شود انقلاب فنی عصر حاضر که به ساده ترین شکل در تححولات کامپیوتر و ارتباطات از راه دور منعکس گردیده است شرط لازم برای جهانی شدن محسوب می شود.

- ۲- شکل گیری اقتصاد جهانی که بر اثر انلاب فنی عملی گردیده و تحقق یافته است و به معنای شکل گیری و ساخت مند شدن تمامی فرایند های اقتصادی در مقیاس کره زمین است. در پرتو شکل گیری اقتصاد جهانی سرمایه مدیریت و اشتغال و نیروی کار تکنولوژی اطلاعات و حتی بازارها درفضای جهانی عمل می کنند. شکل گیری بازار واحد اروگایی و ادغام و وحدت بازارهای جنوب شرقی آسیا، سراغاز تحقق جهانی شد اقتصاد است.
- ۳- ظهور شکل جدیدی از تولید اقتصادی و مدیریت که تولید و مدیرتی اطلاعاتی خوانده می شد . مدیریت و تولید اقتصادی- اطلاعاتی دارای ویژگی منحصر به فردی است. بدین معنا که بهره وری و قابلیت رقبات بیش از پیش به تولید دانش جدید و دستیابی به آخرین اطلاعاتف عمل اوری اطلاعات و تولید اطلاعات مناسب متکی است. (نگاه کنید به Hall , Castells ۱۹۹۴، Sassen, 1994، ۱-۸ و ۱۱۹-۱۲۴ و Sassen ۱۹۹۴ ، ۴۳-۶۲) اما واقعا به چه دلیل چنین جریان های به هم پیوسته ای ان هم در سه دهه پایانی قرن بیستم رخ داده است؟ دیگر نمی توان پذیرفت که انقلاب علمی – فنی صرفا ئتیجه مساعی گروهی اندیشمند است که فارغ از آن چه در پیرامون آنان می گذرد در آزمایشگاه ها و کلاس های درس و بحث در کنار از رخداد ها زندگی روزمره به کار مشغولند و رنجشان در نگاهی به ثمر می نشیند و دیدگاه یها نوین و اختراعات و کشفیات جدید به ظهور می رسد و با تکرا و ازمایش و بررسی بیشتر نهایی می شود و به بازار عرضه می گردد و از سویی به ذخیره علمی و دانش فنی بشر می پیوندد. در پرتو زحمات جامعه شناسان و فلاسفه علم به ویژه از ۱۹۷۰ به بعد مشخص گردید که علم اجتماعا و توسط عوامل و متغیرهای گوناگون جامعه تولید و بازتولید می شود.

- به بیان دیگر «معرفت ریشه در زیبایی معین و فرهنگی مشخص دارد (نگاه کنید به webster، ۱۹۹۱، ۱۵) مهم تر آن که پژوهش در تمامی عرصه ها به ویژه زمینه های فنی (تکنولوژیک) تنها زمانی امکان پذیر است که حمایت کننده ای کشاده دست داشته باشد. حامیان سخاوتمند عصر ما شرکت های عظیم بنگاه های اقتصادی و صاحبان سرمایه اند و گشاده دستی آنان نه به دلیل علم خواهی و فن دوستی بلکه خواستن مهم و سود بیتشر است که حمایت کننده ای گشاده دستی آنان که به دلیل عذرخواهی و فن دوستی بلکه خواستن سهم و سود یبشتر است. جان استریت در کتاب خود به نام سیاست و تکنولوژی، مشروط بودن پیشرفت تکنولوژی را به شرح زیر نشان داده است.

(نمودار شماره یك)

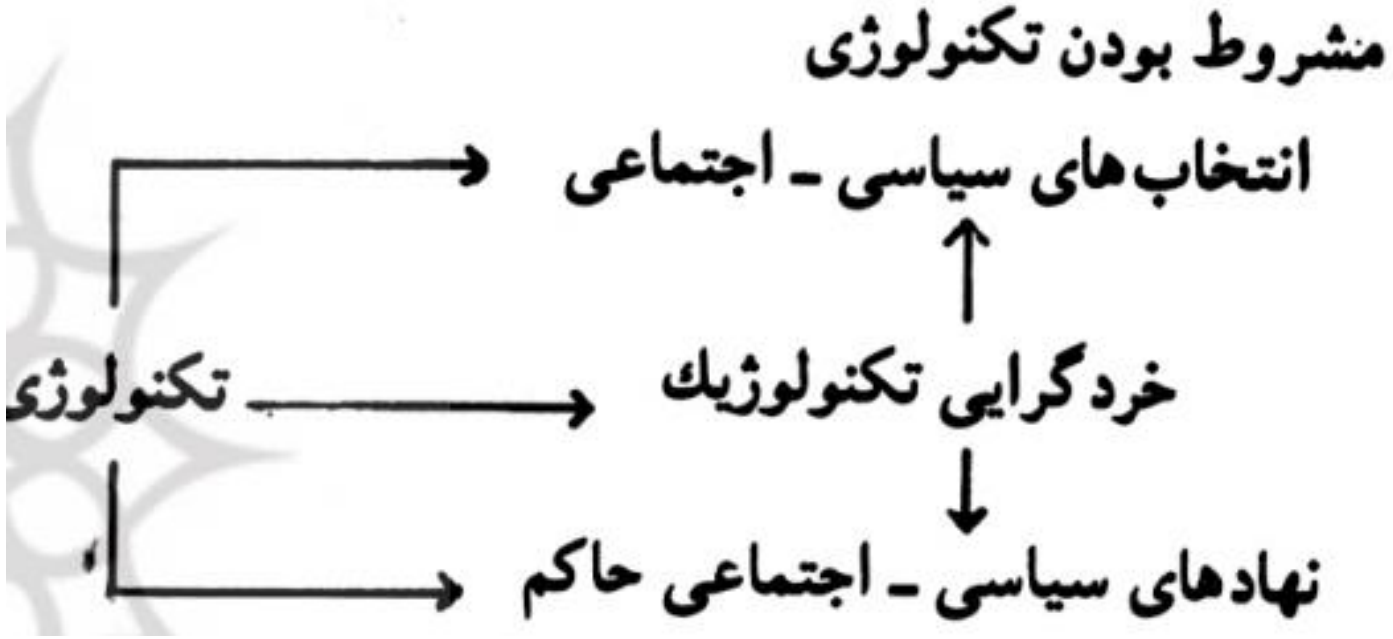

- (نگاه کتید به street، ۱۹۹۲، ۲۵) البته همان گونه که استریت نشان داده است. تکنولوژی به ویژه با امکاناتی که فراهم می اورد به نوبه خود بر نهادهای سیاسی- اجتماعی حاکم و بر انتخاب های سیاسی- اجتماعی موثر می افتد. لیکن در وهله نخست تکنولوژی از انتخاب های سیاسی- اجتماعی حاکم تاثیر می پذیرد و پس از تحقق خود عامل برخی تغییرات می گردد. پس برای پاسخ دادن به پرسش های مطروحه چاره ای نمی ماند جز این که بر شکل گیری نهاد های سیاسی- اجتماعی موجد دگرگونی های پر شتاب و فراگیر در پایان قرن بیستم نظری هرچند گذرا افکنده شود و ضمن معرفی ساخت کلی، تناقضات درون ساختی که ضرورت تغییر را ذاتی جامعه مغرب مزنی گردانیده است، مورد اشاره قرار گیرد.

ب- پیشینه امر

- تغییرات پایان قرن بیستم در واقع تغییرات نظام سرمایه داری است و لذا برای درک درست رخداد های قرن بیستم باید به پیدایش و رویش نظام سرمایه داری و نهاد های اصلی ان از یکسو و نیروی محرکه و منطق درونی این نظام رجوع کرد. گرچه کسب و گرد اور یثروت و تلاش در جهت افزایش ان کهنسال است، لیکن تحصلی آن با ابزارهای عقلانی یعنی از راه محاسبه دقیق بدون توجه به هدف نهایی یا به بیان دیگر بل مفهوم عقلانیت کاربردی (Instrumental Reason) امریست تازه از این دیدگاه سرمایه داری غرب پدیده ای است منحصر به فرد و جدید. بدیهی است که این نظام برای اولین بار بر ویرانه های گذشته اروپای غربی روییده است و ادامه منطقی انها، از دیدگاه تحولات تاریخی است، جامعه شناسان کلاسیک گذشته از دیدگاه های نظری متفاوت و گاه متضادشان درباره این نکته که سرمایه داری اروپای غربی پدیده ای تاره و منحصر به فرد است اتفاق نظر دارند و منطق درونی آن را «وظیفه» دایمی افزایش سرمایه (capital) و نه مفهوم عام ثروت به عنوان هدف اعلام می دارند.

- چیزی که ماکس وبر آن را وجه مشخصه سرمایه داری (Ethos of Capitalism) خوانده است (نگاه کندی به weberف ۱۹، ۵۱) چنین هدفی نیز همان گونه که اشاره شد با محساب دقیق تحقق می یابد . مشهور ترنی شکل بیان این امر تغییر نقش پول (M) به عنوان نماد عینی سرمایه در روابط اقتصادی از واسطه به هدف است (C-M-C = کالا – پول- کالا به M-C-M = پول- کالا-پول) سرمایه ثروتی است که برای سرمایه گذای گرد می آید با سرمایه بیشتری به کف آید هدذف خزانه ای از جواهرات، گنجی چشم پگیر مزنی و حتی مصرف نیست. هدف سرماهی فی نفسه است. با زهم به قول وبر فایده نهایی و معنای درونی دنیای مدرن «انباشت» است برای نفس «انباشت» است. برای نفس «انباشت» بدین ترتیب، این هدف سرمایه داری قادر به ارائه فلسفه حیات و جایگاه فرد در درون جامعه نیست. لذا وقوع آن چه نیچه آن را نیهیلیسم غربی یا دورکایم شرایط آنومیک (در هم ریختگی ارشز ه و خلا ارزشی) نامیده است. گریزناپذیرمی گردد .

- بعد ها مفاهیم ئچون «بحران ریشه ای زندگی انسان» و فقدان پاسخ به مساله معنا که از سوی متفکران مکتب انتقادی و پدیدارشناسانئ به خصوص هوسرل مطرح گردید. در واقع برخورد با مساله فقدان هدف انسانی و جانشین شدن ان با انباشت سرمایه به عنوان هدفی مکانیکی در نظام مورد بحث بود.
- اما ناگفته نمی توان گذاشت که هدف مورد بحث حداقل در زمینه قدرت تولید به چنان پویایی دست می یابد که با هیچ تمدنی در طول تاریخ انسان قابل مقایسه نیست. طبعا چنین توان تولیدی نیازمند یافتن مصرف کننده دایمی است و لذا انسان «تک ساختی» یا یک بعد جامعه امروزین که از تمامی اهداف انسانی جدا و بیگانه شده است. نماد مطلوب ترین تصویر از انسان است، انسانی که درگیر نظامی است سخت جاذب و جالب لیکن فاقد محتوا و معنا. و از این رو برای ارضا اهداف نظام

امواج تحولات در پایان سده بیستم جهانی و تناقض پیچیده فراروی انسان ها گشوده است به گونه ای که پژوهشگران شتاب زده در برابر دریایی از اطلاعات ضد و نقیض راه به جایی نمی برند.

دگرگونی های پدید امده در استانه قرن بیست و یکم سبب برداشت های ناتمام با اساسا نادرست و امیدواری ای بی جا شده است. بسیاری کسان حتی در محافل دانشگاهی یا شادی کودکانه از پایان توسعه یافتگی سخ می گویند و امید دارند که در پرتو امکانات فنی معاصر تمامی نقاط جهان همانند الگوی غربی توسعه یابد. برخی بر این گمانند که همگان از یکپارچه شدن بازارها سود خواهند برد و گروه دیگری از پایان دوران سلطه و اغاز عصر مشارکت یاد می کنند.

به ظاهر جهانی شدن یعنی ره سپردن تمام جوامع به سوی دنیایی به راستی وحدت یافته که در آن همه چیز در سطح جهانی مطرح و نگریسته می شود اما در واقع جهانی شدن به معنای آزادی مطلق کسب و کار برداشته شدن موانع از سر راه سرمایه و نفوذ آن در همه عرصه ها حرکت روان اطلاعات امور مالیف خدمات و بالاخره تداخل فرهنگ ها، ان هم در جهت یکسانی و یکدستی است

- سرمایه داری، هدفی فردی جو مصرف هر چه بیشتر و تشفی نیازهای مادی ای که پیوسته افزایش و گسترش می یابد وجود ندارد بیهوده نیست که نظام سرمایه داری چاره ای جز گسترش در همه ابعاد و طبعا بعد مکانی ندارد و قطعا باید عالمگیر شود.
- جرقه های نظام مورد بحث در قرن های دهم و یازدهم میلادی زده شد لیکن مقدر بود که پس از انقلاب صنعتی یعنی در اواخر قرن هجدهم حاکمیت باید فاصله بین این دو زمان صرف ایجاد نهاد ها و توسعه فرایند هایی گردید که برای حاکمیت تمام عیار نظام سرمایه داری ضروری بود. بر این اساس از اواخر قرن دهم تا اوایل قرن شانزدهم میلاید را دوران گذار اروپای غربی و قنر شانزدهم تا انقلاب صنعتی را دوران سرمایه داری تجاری نامیده اند. یعین دوراین که طی آن سرمایه اولیه (نهاده اولیه) برای پی ریزی زیر ساخت های لامز برای صنعت و بر پایی موجود جدیدی به نام کارخانه که ابزار تولید انبوه است جمع آوری گردید.

- تجارت و رونق مجدد تجارت جهانی یا تجارت در راه های دور از یکسو و استعمار مللی که بعد ها به «جهان سوم» موسوم شدند از سوی دیگر منابه اصلی انباشت سرمایه اولیه بودو تحول مهم دیگر حیات دوبره شهرها بود شمال ایتالیا و منطقه فلاندر(بلژیک کنونی و شمال فرانسه) از نخستین نقاطی بود که با تب و تاب تجارت به رشد پای گذارد و نیز به قول هانری پرن جایگاهی منحصر به فرد در تاریخ اقتصادی دارد، قلب تپنده روننق تجارت و شکوفایی شهرها به حساب می امد و برای بقا چاره ای جز تجارت نداشت در اشعار و در مدارک کلیسای مربوط به قرن یازدهم به بعد، بدان سان از و نیز یاد می شود که گویی به جهان دیگری تعلق داشته است. جزیره ای غیر فئودال که از طریق تجارت، پیشه ای را فراهم می اورد که سودای استقلال از نظام فئودالی و نهایتا غلبه بر آن را داشت و نیز الگویی از توسعه را فر روی سایر شهرهای ایتالیا قرار می داد. پیزا ف جنوا و لوت و ورونا از مهم ترین این شهرها بودند. تجارت پر رونق زمینه ساز توسعه صنایع کارگاهی به ویژه صنایع نساجی در شهرهای یاد شده بود.

- رخداد مهم ناشی از این توسعه، شکل گیری مکان طبیعی سرمایه داری یعنی شهر و رهسپار شدن مردم به سوی شهر های خود فرمان (لازمه سرمایه داری) بود. فلاندرز در شمال ایتالیا چنین فرایند هایی را تجربه می کرد و به ویژه در صنایع کارگاهی پیشتاز بود. احیا زندگی شهری در شمال ایتالیا و فلاندرز گرایش به سوی تجارت و تقویت شهرها را در تمامی اروپای غربی و شمالی شدت بخشید.

شهر های خود فرمان

- ایجاد اتحادیه هانسیتیک یعنی اتحاد شهرهای هانس در شمال آلمان و هلند (Hanseatic League) نتیجه مهم چنین گرایش هایی بود که مهم ترین رویداد قرون چهاردهم و پانزدهم میلادی به شمار می رفت. اتحادیه ای که به قدرتی اقتصادی بدل شد. نشست های رهبران اتحادیه یاد شده مصروف تدوین رویه ها قوانین و دستورالعمل های مربوط به تجرات و کشتیرانی فعالیت های جمعی، صیانت از تجار، بهبود راه های آبی، اسکله ها ایجاد اوزان و مقیاس ها، پول واح و تهیه نقشه های لازم می پردید که نطفه پیدایش طبقه ای جدید (سرمایه دار) را به عنوان تنظیم کننده بازار در خود داشت و به تمرکز هر چه بیشتر منجر می شد امری که بعد ها با شمشیر حکومت های مطلقه به ظهور دولت های ملی انجامید باز هم به این رخداد مهم اشاره خواهد کرد.

محدوده اتحادیه هانسیتیک

- همان گونه که قبلا آمد، نظام جدید متکی به انباشت سرمایه برای نفس انباشت نمی توانست با محدودیت های تولید دستی و خانگی و تولید کارگاهی به اهداف گسترده خود دست یابد . از این رو پیدایش شیوه نوین تولید الزامی به نظر می رسید کارخانه که انبوه تخصص ها و انبوه ادمیان را زیر یک سقف گرد می اورد، پاسخ مناسبی به نیاز پدید امده بود.اما ظهور کارخانه به نوبه خود محتاج انقلابی علمی- فنی و اجتماعی – اقتصادیف سیاسی و فرهنگی یا به عبارت ساده تر انقلابی نام و تمام با همه جانبه بود که درانقلاب صنعتی متجلی گردید. از شیرین کاری های زندگی ان بود که شهرهای برخاسته از احیاء تجارت و داد و ستد یعنی ونیز و سایر شهرهای ایتالیا و به درجات کمتری فلاندرز و شهرهای المان و هلند که به ترتیب بستگانمان ظهور سرمایه داری تجاری و شکل دهی به نهاد های لازم برای ادامه حیات ان نظام بودند برای صنعتی شدن از مشکلات و تناقضاتی رنج می بردند. این شهرها که نمونه نظری (ideal type) ماکس وبر از شهر را به یاد می اورند. در جریان کسب استقلاال نسبی و جدا شدن تدریجی (عمدتا از طریق خریدن ان یعنی وامدار شدن فئودال ها به تجار پویای شهری) نهاد های کنترلی شدیدی را برقرار ساخته بودند.

- هانری پیرن در این مورد تا ان جا پیش می رود که شهر تجاری پویای سرمایه داری را دارای پیچیده ترین نظام قانون گذار ی اجتماعی اعلام می دارد. شورای شهر به خوبی از تخلفات جلوگیری می کرد دارای قوانینی در زمینه حمایت از مزدبگیران و ممانعت از استثمار بود . کار زنان و کودکان ار ممنوع کرده بود و بر کل شهر احاطه کامل داشت.شهر به کمون شبیه بود. کمونی که توسط شورایی اداره می گشت.

کمون

- نظام صنفی بخش مهمی از قواعد مورد بحث ار کنترل می کرد. نظام صنفی از صنف های اجتماعی – مذهبی (سازمان های اجتماعی – مذهبی) اصناف تجاری و بالاخره اصناف صنعت کاری تشکیل می شد این اصناف روابط اجتماعی- شغلی- مذهبی و غیره را نظم می بخشیدند و قانونمند می ساختند

- در چنین نظامی مهم ترین متغیر سرمایه داری صنعتی یعنی نیروی کار مورد حمایت قرارداشت و استعمار کامل ان ممکن بود . از این رو پیشگامان سرمایه داری تجار یدر جهت شکوفایی سرمایه داری و ورود به دنیای تولید انبوه از طریق تولید کارخانهای، با مانعی جدی روبرو بودند . قوانین و قواعد حاکم بر شهرهای مورد بحث، ارزش گذاری بر پایه نیروی کار به عنوان کالا (منشاء ارزش اضافی= سود) را غیر ممکن می ساخت.

ارزش گذاری بر پایه نیروی کار

- از سوی دیگر سودبر در شهرهای مذکور نیز رو به کاهش داشت، زیار انبوهی از شهرها تنها در فکر حفظ خود و آرزومند بودند که به هر قیمت سهم بیشتری نصیب شهر خود سازند. درگیری و رقابت اشکار و پنهان مانع دیگری بر سر راه توسعه سرمایه داری به شمار می رفت. لذا پیدایش دولت ملی و مرزبندی بر اساس کشور و نه شهر و پایان دادن به هرج و مرج در روابط بین شهرها ضروری به نظر می رسید. ظهور دولت ملی و دست اندازی به سایر ملل یعنی استعمار بخش های مهمی از جهان دو گام جدی در جهت تبدیل سرمایه داری تجاری به صنعتی محسوب می شد. گام های دیگری که باید برداشته می شد عبارت بود از :

ظهور دولت ملی

- ۱) تغییر سازمان اقتصادی یعنی ایجاد سازمانی بوروکارتیک و خرد گرا در جهت حداکثر سازی سود، حداقل سازی هزیه و زمان – ظهور بنگاههای سرمایه داری تولید کننده برای بازار ، آن هم از طریق کارمزد بری بدون قایل شدن کمترین نقشی برای روابط خانوادگی ، خونی، غیره یعنی سازمانی کاملا رسمی بنگاه هایی که در درون بازارهای ملی و جهانی کار می کنند و صد ها نهاد، بانک ، شرکت ضتامنی اتحادیه و غیر ه کنترل آنها را بر عهده دارد

حداکثر سازی سود،
حداقل سازی هزیه و
زمان

- ۲) رشد چشمگیر فنی- علمی یا تکنولوژی از طریق توسعه دایمی دانش و استفاده دایمی از دانش انباشته شده برای تولید، دگرگونی شیوه تولید و پاسخ گویی هر چه بیتشر به نیازهای مصرفی موجود یا مصنوعا ایجاد شده . رشد فنی و علمی به ایجاد تحول در دو زمینه اساسی فرایند توجهی ویژه داشت. نخست تا ان جا که ممکن است از ماشین هایی استفاده کند که با نیروی دیگری متفاوت از نیروی جوان، به حرکت در می اید و دوم منابع اولیه مورد تسفاده خود را متنوع و بهینه سازد تا به کارایی بیشتر و مالا به سود بیشتر دست یابد.

2

- ۳) ایجاد زیر ساخت ها و نهاد های صنعتی که شامل حرت از شیوه تولید ماقبل سرمایه داری به تولید صنعتی از تولید کالاهای مصرفی به تولید کالاهای تولیدی و ان تجارت کالاهای لوکس به تولید انبوه کالاست، مقدر بود که گام های بالا در شمال اروپا زودتر برداشته شود و پیشقراولی صنعت از ان انگلستان شود.

3

- درگیری و کشمکش های منجر به جنگ ئداخلی به ظهور دولت ملی انجامید و غارت مللی که جهان سوم نام گرفته اند. نهاده اولیه یا سرمایه لازم را فراهم آورد. سرمایه ای که بخشی از آن برای توسعه دانش و فن صرف شد و زمیه ساز صدها اختراع و کشف گردید، استثمار نیروی کار در شرایط بازار با سرمایه به کف آمده دنیای صنعتی را شکل داد. معدن زغال سنگ و کارخانه عظیم و دود زده ذوب اهن نمادچنین دنیای شد که مرکز ثقل آن در شهر بود. کنترل سرمایه در کف طبقه ای نوپا و ذی نفوذ و کنترل عمومی در دست دولت ملی بود. بدنی سانئ انگلستان که در اواخر قرن تحولات گوناگون بدل گردید.

زیربنای تحولات پایان قرن بیستم را سه فرایند تاریخی مرتبط با هم پدید اورده است:

۱- انقلاب فنی تکنولوزیک بر پایه تکنولوژی های اطلاعاتی

۲- شکل گیری اقتصادی جهانی در پرتو انقلاب فنی

۳- ظهور شکل تازه ای از تولید اقتصادی و مدیریت که تولید و مدیریت اطلاعاتی خوانده می شود

دیگر نمی توان پذیرفت که انقلاب علمی – فنی صرفا نتیجه مساعی گروهی دانشمند اندیشمند است که فارغ از آن چه در پیرامونشان می گذرد و بر کنار از رخدادهای روزمره در ازمایشگها ها و کلاس های درس و بحث به کار شمغولند. امروزه پژوهش به معنای واقعی کلمه در همه زمنیه ها به ویژه زمینه های فنی تنها در صورتی امکان پذیر است که حمایت کننده ای گشاده دست داشته باشد. حامیان سخاوتمند پژوهش در عصر ما عمدتا شرکت ها و بنگاه های غول آسای اقتصای و صاحبان سرمایه های بزرگ هستند که گشاده دستی شان نه به علت دانش و فن دوستی که ناشی از خواستن سهم و سود بیشتر است

درست است که تکنولوژیه ویژه با امکاناتی که فراهم می آورد بر نهاد های سیاسی- اجتماعی حاکم و بر انتخاب های سیاسی- اجتماعی موثر می افتد، لیکن در وهله نخست از انتخاب ها سیاسی- اجتماعی و نهاد های سیاسی- اجتماعی حاکم تاثیر می پذیرد و سپس خود عامل برخی تغییرات می گرددو علم به وسیله عوامل و متغیرهای گوناگون جامعه تولید و بازتلید می شود و به باین دیگر معرفت ریشه در زمانی معین و فرهنگی مشخص دارد

- گرچه تولید پشم و پنبه عالی در انگلستان و داد و ستد ان در تمام اروپا صنایع نساجی را رونقی عظیم داد لیکن زغال سنگ و کارخانه ذوب اهن هر دو ذاتا «کاربر» هتند و استثمار کار گران را ناگزیر می سازند، پی ریزی صنعت جدید را بر عهده داشتند. ظهور کالونیسم و پروتستان گرایی در کنار بروز تحولات در نگرش نوین علم (متکی به آزمایش و محاسبه ذهنی) تصویر دنیای جدید را تامل کرد تا نیروی محرکه .و منطق درونی سرمایه داری یعنی انباشت دایمی و برای انباشت تحقق یابد.

ظهور کالونیسم و
پروتستان گرایی

ج- الگوی اجتماعی - دموکراتیک

- با ظور سرمایه دار صنعتی، شکل گیر طبقات سرمایه دار و کارگر، گسترش دایمی تولید صنعتی و بازار مصرف مشخص گریدد که واقعیت اواخر قرن هجدهم و اوایل قن نوزدهم در قدرت اقتصادی به مرزی شهر لندن نهفته است. قدرت اقتصادی که به گسترش و تمرکز دایمی عنایت دارد در مسیر خود با مشکلات اقتصادی جدی برخورد می کند که دوره های رکود اقتصاید تنها نمونه ای زا انهاست. انگلستان فرانسه آلمان و ایالات متحده و ژاپن از ۱۸۲۵ که نخستین دوره انقباض سرمایه داری در انگلستان اغاز شد تا امروز با نوسانات شدید بازار و دوره ای رکود روبرو بوده اند و تمام یمساعی سرمایه داری مصروف نجات نظام و در عین حال تحقق و گستر شانباشت شده است. دوره های رکود یا بیکاری شدید و فقر و محرومیت و دوره های انبساط با تورم کمرشکن و استثمار بیشتر محرومان و در راس آنها کارگران را نشانه می گیرد.

- چنین شرایطی گسترش جنبش ها های اجتماعی را قهر یساخت و قدرت اقتصادی ه جوهر نظام سرمایه داری قرن نوزدهم بود با جنبش های سیاسی- ایدئولوژیک، جنبش هی طبقاتی ، جنبش رهایی بخش ملی و جنبش هیا برابری نژادی روبروگردید؛ مبارزه ای که از ۱۸۳۰ شکل جدی به خود گرفت و تا پایان قرن نوزده به نوعی اداکه سرمایه دارانه (چشم اندازهای فرهنگی از یکسو و نیاز سرمایه داری به بالا بردن سطح زندگی اکثریت مردم از سوی دیگر ظهور دول میانجی (نماینده سرمایه داری) را تسهیل کرد. دولت های بسیج کننده ترویج کننده، انتخاب شده و در مجموع دولت های سوسیال دموکرات و سوسیالیست دوشادوش سرمایه داری به نوسازی اقتصاد و جامعه اروپای غربی و شمالی و ایالات متحده همت گماردند. فاعلان در صحنه جامعه، اجتماعی بودند پاسخ مبارزات امر و مساله ای اجتماعی بود .

- ار تولید روابط تولید طبقات حقوق اجتماعی ح کار حق سرپناه آزادی بیان و عیده از جمله مفاهیم مورد بحث و تاکید بود . در کنار دولت های حمایت کننده غربی ورود به قرن بیستم با دو رخداد مهم یعنی تشکیل بلوک سوسیالیستی دولتی از یک سو و جنبش های رهایی بخش ملی در جهان سوم (ظهور شبه سرمایه داری های اقماری) از سوی دیگر همراه بود. مبارزات ضد استعماری تا دهه ۱۹۷۰ میلادی به ظهور دولت های «شبه ملی و ماهیتا فاشیستی (البت با چند استثنا از جمله هند و نظایر آن) انجامید .

مبارزات ضد استعماری تا دهه ۱۹۷۰ میلادی

- امروزه با کاهش قدرت و نزول دولت های حمایت کننده ، مرگ تدریجی سوسیال دموکراسی و شبه سوسیال دموکراسی بازگشت به خط مشی های لیبرال ارتدوکس و فروپاشی سوسیالیسم دولتی ف صخنه تاریخی زا فاعلان اجتماعیخالی است. نیروی تغییر آفرین ماهیتا اقتصادی شده است. نیروهای اجتماعی ، سیاسی ، ایدئولوژیک و روشنفکری دچار انحطاط گشته اند و قدرت تغییر آفرینی خود را از دست می دهند . پایان قرن بیستمف به کی معنا مرحله فروپاشی بدون الگوی جایگزین است.

- بخش مهمی از کنترل های سیاست بر اقتصاد که به دلایل سیاسی و ایدئولوژیک یا برای حفظ منبع گروه ها و طبقات شکل گرفته بود، در حال منتفی شدن است. نتیجه پرولتریزه شدن مجموعه وسیعی از انسان هاست . گسترش فقر بی سرپناهی، بیکاری و سرگردانی، احساس جدا ماند و حاشیه ای شدن، نتیجه قهری سرمایه داری جهانی با کمترین محدودیت هاست به راستی از چه رو الگوی اجتماعی-دموکراتیک در حال فروریختن است و بالاخره جوهر تحولات در پایان قرن بیستم را در کجا باید در جست و جو کرد.

نتیجه قهری